آسیب شناسی پژوهش در حوزه های علمیه

محمدعلی رضایی اصفهانی

چکیده

مقاله حاضر در پی آسیب شناسی وضعیت موجود پژوهش و پژوهشگری در حوزه دین در داخل ایران است. این نوشتار به آسیب های روان شناختی، روش شناختی و اجرایی پژوهش می پردازد و در موارد لزوم راهکارهای مناسب را پیشنهاد می کند. در این مقاله بیشتر، از روش مشاهده و تجربه در گردآوری اطلاعات استفاده شده است، هر چند که به نمونه های عینی و تاریخی نیز توجه شده است.

کلید واژه ها

1. پژوهش: فرایند گردآوری و پردازش اطلاعات که همراه با نظام سازی باشد و در حوزه خاصی از علوم به نوآوری انجامد.

2. آسیب: عوامل منفی یا حلقه های مفقود در فرایند پژوهش که گاهی مربوط به پژوهشگر و گاهی مربوط به مدیریت پژوهش و گاهی مربوط به زمینه های اجتماعی و... است.

3. پژوهشگر: شخص پژوهنده که به طور مستقیم درگیر فرایند تحقیق می شود یا مدیریت علمی تحقیق جمعی را به عهده می گیرد.

4. مراکز پژوهشی: مقصود از مراکز پژوهشی مدیریت اجرایی پژوهشی است که امور اقتصادی و سیاست گذاری و نشر پژوهش را انجام می دهد.

5. حوزه دین یا حوزه های علمیه: مقصود، مراکز پژوهشی و افراد پژوهشگر در حوزه دین هستند که معمولاً در مراکزی به نام حوزه علمیه گرد هم می آیند و در راستای اهداف دین اسلام به تحقیق در علوم دینی و دانش های مرتبط می پردازند.

درآمد

پژوهش در حوزه های علمیه، سابقه ای بیش از هزار سال دارد. می توان گفت پژوهش، همزادِ تدریس و تحصیل در حوزه های علمیه است. مفسران، فقیهان، متکلمان و فیلسوفان بزرگ شیعه و اهل سنت در طول تاریخ اسلام به پژوهش اهمیت داده اند؛ ولی این سابقه طولانی با فراز و نشیب هایی همراه بوده است که لازم است علل و عوامل آن بررسی شود و نتیجه آن، چراغ راه آیندگان گردد. اما آنچه در این میان مهم است، وضعیت فعلی پژوهش در حوزه های علمیه است که البته جدا از وضعیت پژوهش در مراکز دانشگاهی و کل کشور، بلکه منطقه و جهان نیست و با آنها در تعامل است.

به عبارت دیگر وضعیت پژوهش در حوزه های علمیه را از چند زاویه می توان بررسی کرد:

الف. سیر تاریخی پژوهش های حوزوی و فراز و نشیب ها و علل آن ها؛

ب. رابطه پژوهش در حوزه های علمیه با مراکز علمی داخل و خارج کشور و راهکارهای تعامل آن با مراکز و تأثیرگذاری بر آنها و استفاده از تجربیات علمی دیگران؛

ج. وضعیت فعلی پژوهش در حوزه های علمیه و بررسی آماری و تحلیلی آن؛

د. آسیب شناسی پژوهش در حوزه های علمیه در عصر حاضر.

نوشتارِ پیش رو، در پی مورد اخیر است، هر چند بررسی وضعیت پژوهش از زوایای دیگر نیز ضروری و مفید است.

تقسیم بندی آسیب ها

عوامل منفی در فرایند پژوهش از چند جهت قابل تقسیم است:

الف. عوامل مربوط به پژوهشگر، در برابر عوامل مربوط به مراکز پژوهشی (مدیریت پژوهش)؛

ب. عوامل مادی و اقتصادی، در برابر عوامل معنوی و نقایص علمی؛

ج. عوامل روان شناختی و جامعه شناختی و روش شناخی و اجرایی.

در این مقاله تلاش بر آن است که فارغ از دغدغه تقسیم بندی های مرسوم به جمع آوری کلیه آسیب ها بپردازیم، و تا حد امکان استقصای کاملی کنیم و از جهات گوناگون به عوامل آسیب توجه نماییم.

آسیب های پژوهش ها در حوزه دین

1. آسیب های روش شناختی:

1.1.خلط «تحقیق» با «اطلاع رسانی آموزشی و ترویجی» (خلط وظایف تبلیغی با

تحقیقات اساسی)

پژوهشگر، مسئله محور است؛ یعنی مشکل و موضوع خود را تحلیل کرده به مسائل یا مسئله تبدیل می کند و به دنبال حل آن می رود و برای آن فرضیه ای نو ارائه می کند. اما کسی که در صدد آموزش و اطلاع رسانی ترویجی است، موضوع محور یا مشکل محور است؛ از این رو به مقدمات و حواشی و مصادیق و ابعاد و همسایه های مطلب می پردازد و هدف آن اقناع مخاطب یا پر کردن ذهن او از معلومات است نه حلّ مسئله و نوآوری. از آنجا که حوزه های علمیه سه وظیفه «تبلیغ»، «آموزش» و «پژوهش» را به عهده گرفته اند، گاهی افراد این سه مقوله را با هم خلط می کنند و پژوهش های آنان تبدیل به اطلاع رسانی تبلیغی یا آموزشی می شود؛ از این رو نتایج لازم را به دنبال نمی آورد.

2.1. تبارشناسی نکردن مسائل

برخی از مسائل تک تباراند(2)؛ مثل مسائل فقهی نماز یا مسائل شیمی. در اینجا نیاز به مطالعات میان رشته ای نیست. اما برخی از مسائل چند تباراند(3)؛ مثل ماهیت ایمان که از منظر کلام، تفسیر قرآن و روان شناسی قابل بررسی است؛ نیز علل خودکشی که می توان آن را از منظر روان شناسی، جامعه شناسی، اقتصاد، کلام و فقه بررسی کرد.

در این گونه مسائل بدون مطالعات میان رشته ای و تطبیقی جواب کامل به دست نمی آید. برخی از پژوهشگران به تبارشناسی مسائل توجه نمی کنند؛ از این رو مسئله را تک بُعدی و ناقص می بینند و پژوهش آنان نتیجه کامل نمی دهد. این خطا در خلط روش علم مورد استفاده نیز تأثیر دارد.

3.1. خلط گسترده علوم و روش آنها

روشن است که با روش و چارچوب یک علم، نمی توان مسائل علم دیگر را حل کرد. روش عقلی را - که در فلسفه و منطق به کار می رود - نمی توان جایگزین روش تجربی کرد که در علوم تجربی کاربرد دارد، یا روش نقلی که در حدیث استفاده می شود، نمی تواند جای آن را روش دیگری بگیرد. برای مثال مرحوم آیت اللّه خویی برای حل مسئله «جمع قرآن» از روش فقهی استفاده کرده و با ادّله اربعه فقهی در باره یک مسئله تاریخی داوری کرده است و جمع قرآن را در زمان پیامبر(ص) دانسته است(4)؛ اما آیت اللّه معرفت از روش تاریخی برای حل این مسئله بهره گرفته و روش فقهی مرسوم را در این باره غیر کارا شمرده است.

4.1. خلط یافته ها با اطلاعات

پژوهشگر در جریان تحقیق، نخست به اطلاعاتی خام دست می یابد که به آنها «داده ها» یا «یافته ها» گویند. سپس این یافته ها مورد ارزیابی قرار می گیرند و اطلاعات ارزشمند و معتبر به دست می آید. این اطلاعات معتبر برای تحقیق، پردازش می شوند. اطلاعات شایسته و معتبر آنهایی هستند که مرتبط با موضوع، کامل، صادق، دقیق، واضح، نو و مستند باشند. اما گاهی برخی پژوهشگران یافته ها را به جای اطلاعات به کار می گیرند، در حالی که یافته ها ارزش کاربردی ندارند؛ برای مثال کسی که هر حدیثی را در هر کتابی که یافت - بدون بررسی سند و ارزیابی متن - به کار می برد؛ محقق شمرده نمی شود.

5.1. ناآگاهی از روش تحقیق

هر پژوهشگر و نویسنده، نیازمند روش تحقیق است، بلکه نیازمند بازآموزی و نوسازی روش تحقیق خود در طول زمان است. برخی از پژوهشگران از این نیاز اساسی غافل می شوند و در نتیجه، زحمات آنان ره به جایی نمی برد یا شکل و سامان خوبی نمی یابد، یا استفاده بهینه از آنها نمی شود.

6.1. ناآگاهی از روش شناسی تحقیق

گاهی محققان، روش تحقیق عمومی را می دانند، ولی از اقسام روش های تحقیق، به ویژه روش های تخصصی هر حوزه و روش پژوهش میان رشته ای آگاهی ندارند؛ از این رو در انتخاب روش مناسب تحقیق با مشکل مواجه می شوند. از این رو لازم است که پژوهشگران علاوه بر آگاهی از روش تحقیق، از روش شناسی روش های تحقیق نیز آگاه باشند.

7.1. طرح مسائل متعدد در تحقیق واحد

تحقیق، مسئله محور است و هر چه مسئله تحقیق جزئی تر باشد، نتیجه دقیق تر خواهد بود؛ از این رو لازم است که مشکل و موضوع تحقیق به مسائل متعدد تجزیه شود و یک مسئله برای تحقیق انتخاب شود؛ چنان که فقیهان نامدار اسلام برای حل موضوعات فقهی، آنها را به مسائل جزئی تقسیم می کردند و هر فرع را جداگانه مورد بررسی قرار می دادند، و از خلط مسائل به شدت جلوگیری می کردند.

8.1. خلط مصادیق، آثار، ابعاد و علل محتمل در تحقیق

برخی از صاحب نظران توصیه کرده اند که از راه های زیر برای تجزیه موضوع و مشکل به مسائل استفاده شود:

الف. تجزیه به علل محتمل؛

ب. تجزیه به آثار محتمل؛

ج. تجزیه به ابعاد مختلف؛

د. تجزیه به مصادیق.(5)

اگر مسائل تحقیق همان طور که گذشت، از هم جدا نشوند، ممکن است پژوهشگر مصداق را با ابعاد، یا آثار را با علل محتمل اشتباه کند و در تحقیق و نتیجه آن به خطا برود؛ از این رو لازم است همه این موارد از هم جدا شوند.

9.1. حصرگرایی در تبیین و نفی دیدگاه های رقیب که به صورت طولی مطرح شده است

تبیین مطالب و تشریح علت ها می تواند به صورت طولی یا عرضی مطرح شود. هر مسئله ای ممکن است تبیین جامعه شناختی، اسطوره ای، متافیزیکی تاریخی و... داشته باشد. این تبیین ها هم دیگر را نفی نمی کنند، چون ساحت های آنها متفاوت است؛ پس ممکن است همگی صحیح باشند. برای مثال «علیت» می تواند تبیین متافیزیکی داشته باشد و به خدا نسبت داده شود و نیز می تواند تبیین فیزیکی و مادی داشته باشد و به انسان نسبت داده شود.

مثال دیگر، نتایج روش های تفسیری متفاوت درباره یک آیه است. اگر نتیجه روش تفسیر نقلی با نتیجه روش تفسیر علمی یا باطنی یا عقلی متفاوت بود، می توانیم همگی را بپذیریم؛ چرا که ساحت علوم عقلی، علوم تجربی و نقلی یکسان نیست و اینها هم دیگر را نفی نمی کنند. همان طور که در تفسیر سوره قدر از این روش ها استفاده شده و شب قدر به شب معمولی، 24 ساعت (از نظر علمی)(6) تفسیر شده(7) چنانچه از حضرت فاطمه(س) نیز چنین روایتی در این باره وارد شده است. این اصل، شبیه قاعده «الجمع مهما امکن اولی من الترک» است که در احادیث اجرا می شد؛ یا جریان و سریان قاعده «استعمال لفظ در بیشتر از یک معنا» که در اصول فقه مورد بحث است و در تفسیر؛ بسیاری از بزرگان، مانند صاحب تفسیر نمونه آن را پذیرفته اند.(8)

یک مسئله همچنین می تواند تبیین عرضی داشته باشد. در این صورت دو تبیین در یک سطح معرفتی هستند و ممکن است قابل جمع و سازگار باشند (مثل علل معدّه در مورد یک معلول) یا قابل جمع نباشند؛ چرا که با یکدیگر تناقص دارند. مثلاً اگر از یک مسئله دو تبیین جامعه شناختی عرضه شود، باید یکی را انتخاب کرد و نظریه رقیب را از صحنه خارج ساخت.

گاهی خلط میان تبیین طولی و عرضی، و حصرگرایی در پژوهش، موجب نفی بدون دلیل دیدگاه های رقیب می شود.

10.1. تفسیر مسبوق به نظریه

برای فهم متن و تفسیر آن دو گونه می توان عمل کرد:

الف. تفسیر مسبوق به نظریه

در این شیوه، فرد دیدگاه خود را در باره موضوع تحقیق از قبل انتخاب کرده است و می کوشد دیدگاه خود را بر متن تحمیل کند. علامه طباطبایی(رحمة الله) این شیوه را «تطبیق» خوانده است(9)و در احادیث اسلامی از آن با عنوان «تفسیر به رأی» یاد می شود.(10) البته تفسیر به رأی اقسام و مصادیقی دارد که این روش، یک مصداق از آن است.

ب. تفسیر مسبوق به مسئله

یعنی پژوهشگر، مسئله خود را بر متن (مثلاً قرآن) عرضه کند و بی طرفانه نظر ماتن را بجوید که در این صورت، مسئله یا مقبول متن است یا مردود آن و یا اصلاً در متن مطرح نشده است.

یکی از آسیب های تحقیقات اسلامی، «تفسیر مسبوق به نظریه» است که در قرآن و احادیث از آن به «تفسیر به رأی» تعبیر شده است و پژوهش را به کژراهه می برد. و در واقع پژوهشگر با استفاده از این شیوه به دنبال مؤید برای نظریات خود می گردد.

11.1. بی توجهی به تاریخ علم

دیدگاه های علمی در باره مسائل هر علم در طول تاریخ تغییر می کند و غالبا هر دیدگاه در نظریه های بعدی اثر می گذارد و گاهی یک مسئله بین چند علم یا چند مذهب دست به دست می شود و شکل اولیه آن تغییر می یابد.

مطالعه تاریخی و تحلیلی مسائل سبب می شود مطالب و دیدگاه ها و دلایل، معنادار شوند و شناخت سلف در پرتو خلف حاصل آید. بی توجهی به تاریخ مسئله و علم نیز مانع فهم درست مسئله می شود. حکایت شده که مرحوم آیت اللّه بروجردی در تحقیقات فقهی و حدیثی خود این گونه عمل می کرد و به فضای صدور احادیث و دیدگاه علمای اهل سنت و تاریخ مسئله توجه ویژه می کرد. از جمله مسائلی که سرنوشتی عجیب و قابل مطالعه دارد، مسئله اجماع در فقه و اصول اهل سنت و شیعه است.

پس یکی از آسیب های آموزش و پژوهش در علوم حوزوی کم توجهی به تاریخ علم اصول و علم فقه و... است. به طوری که گاهی همه مطلب در چند نفر از دانشمندان خلاصه می شود.

12.1. کم توجهی به نیازسنجی در انتخابِ موضوعات پژوهشی

روش صحیح انتخاب موضوع آن است که در انتخاب موضوع تحقیق، به معیارهای زیر توجه شود:

الف. نیاز جامعه و مراکز علمی؛

ب. استعداد و توان پژوهشگر؛

ج. علاقه پژوهشگر؛

د. ضرورت پژوهش در موضوع.

در بسیاری از موارد، مراکز پژوهشی و پژوهشگران از روش صحیح برای انتخاب موضوع و مسئله پیروی نمی کنند، بلکه گاهی برای رفع تکلیف اقدام به انتخاب موضوع پایان نامه می کنند و گاهی... .

لازم است موضوعات و مسائل هر حوزه پژوهشی، خود، موضوع یک پژوهشِ وسیع کاربردی قرار گیرد و در اختیار پژوهشگران گذاشته شود.

13.1. پرداختن بیش از حد به مباحث نظری و دور شدن از مباحث کاربردی و

راهبردی

تحقیقات بنیادی و کاربردی، همه مورد نیاز است؛ اما گاهی آن قدر به پژوهش های بنیادی و نظری اهمیت داده می شود و مسائل ذهنی مورد پژوهش یا باز پژوهی قرار می گیرد که از تحقیقات کاربردی غفلت می گردد؛ چرا که در این پژوهش ها به مسائل عینی جامعه توجه نمی شود. این، یکی از آسیب های جدّی در حوزه علوم اسلامی است که نمونه های عینی آن را در بخشی از مسائل بی ثمر اصول فقه و مانند آن می بینیم. (هر چند که بسیاری از مسائل اصول فقه، مفید و ضروری است.)

14.1. عدم توجه به ویرایش آثار

ویرایش دارای پنج مرحله است:

الف. ویرایش فنی (مثل درج علائم سجاوندی نظیر نقطه، ویرگول و...)؛

ب. ویرایش محتوایی (مثل جابه جایی کلمات و...)؛

ج. ویرایش عمیق (مثل کم و زیاد کردن کلمات...)؛

د. بازنویسی متن (مثل استفاده از الفاظ جدید در متن و...)؛

ه باز آفرینی متن (مثل کم و زیاد کردن فصول و...).

توجه به این شیوه ها برای زیباسازی، جذاب، روان و زودیاب کردن پژوهش مؤثر است. یکی از آسیب های پژوهش های حوزوی - که در دهه اخیر کمتر شده است - توجه نکردن به ویرایش آثار است.

2. آسیب های روان شناختی:

1.2. ترس از ابراز عقیده و نظریه پردازی

پژوهشگر باید شجاعت ابراز عقیده و نظریه پردازی مستدل را داشته، و دارای اعتماد به نفس قوی باشد تا بتواند گامی در علم به پیش نهد.

گاهی عوامل درونی، مثل سستی اراده یا عدم اعتماد به نفس و ترس از شکست موجب می شود که پژوهشگر سال ها نظریه خود را اعلام نکند، یا در ابراز عقیده، تقیه و مخفی کاری کند. البته عوامل بیرونی نیز در این کار مؤثر است که در زمره آسیب های جامعه شناختی و اجرایی بیان خواهند شد. روشن است که این آسیب، مانع جدّی در راه پیشرفت و تولید علم است.

2.2. روحیه سطحی نگری در تحقیق

پژوهش با ژرف نگری رشد می یابد و بالنده می شود. برخی از پژوهشگران روحیه ای تسامحی و سطحی نگر دارند. این روحیه به پیشرفت علوم، ضربه ای غیر قابل جبران وارد می کند.

3.2. ضعف روحیه نقدپذیری و نقّادی

پژوهشگر باید روحیه ای نقّادانه داشته باشد و بر هر دلیل و مسئله ای علامت سئوال بگذارد تا بتواند مشکلات را بشناسد و آنها را حل کند. به همان اندازه نیز لازم است پژوهشگر، نقدپذیر باشد؛ یعنی دلایل منطقی و اشکالات مخالفان خود را با شرح صدر مورد بررسی قرار دهد و اگر صحیح است، بپذیرد. برخی از پژوهشگران دارای این دو روحیه نیستند؛ از این رو به پژوهش های خود آسیب جدی وارد می کنند و از رشد خود و جامعه علمی جلوگیری می کنند.

4.2. شخص محوری و تمایل به تحقیقات فردی(فرار از عقل جمعی و ارزیابی)

پژوهش های جمعی نتیجه ای کامل تر و استوارتر به بار می آورند. محققان حوزه دین از دیر باز به تحقیقات فردی عادت کرده اند؛ از این رو در گوشه کتابخانه می نشینند و تحقیق خود را انجام داده، نتیجه آن را ارائه می کنند. این شیوه از آن جهت که استقلال محقق و اجتهاد شخصی او محترم شمرده می شود؛ و آرای شخصی او منتشر می شود مفید است، اما از جهت دیگر، محقق را از مشورت و بهره برداری از نقدها و افکار دیگران محروم می سازد و رشد علم را کند می گرداند.

البته در سه دهه اخیر برخی تحقیقات جمعی در حوزه های علمیه شکل گرفته است که البته اینها کافی نیست، بلکه این شیوه باید نهادینه شود و به صورت فرهنگ عمومی محققان در آید؛ به ویژه در حوزه فقه که کار جمعی زیادی را می طلبد.

5.2. عدم رعایت اخلاق حرفه ای پژوهش

پژوهشگران افراد با اخلاق و امینی هستند، به ویژه در حوزه دین که توصیه آن به دینداران رعایت اخلاق و امانت است. اما گاهی برخی از پژوهشگران از سر غیرت دینی یا مذهبی و به خاطر آنکه مخالفانشان حق و انصاف را رعایت نکرده اند، کلماتی می گویند که از قلمرو ادب نگارش و تحقیق خارج شده و توهین به دیگران به شمار می آید. نیز ممکن است پژوهشگری از حقوق معنوی نویسندگان دیگر آگاهی کافی نداشته باشد و مطالب دیگران را بدون آدرس نقل می کنند که این کار، نوعی سرقت علمی به شمار می آید. این امور، شایسته یک محقق نیست و از اخلاق حرفه ای پژوهشگری به دور است و از آسیب های اخلاقی پژوهش به شمار می آید. البته برخی نیز آگاهانه چنین می کنند. این گونه افراد نوعی انحراف روانی دارند که باید درمان شوند.

6.2. نوگریزی (نادیده انگاشتن موضوعات درجه اول)

برخی از پژوهشگران از موضوعات نو در حوزه پژوهش فرار کرده و خود را سرگرم موضوعات کهنه، تکراری و سنتی می کنند؛ و به هر دلیلی به حوزه های نوین علمی و به آفرینش فکری دست نمی یازند.

در هر صورت این، آسیب روانی جدّی ای است که مانع پیشرفت پژوهش می شود و از انجام تحقیقات نوین جلوگیری می کند.

7.2. منفی بافی به جای تحقیق و نقد سازنده

جهت گیری تحقیق و نقد، باید سازنده باشد تا جامعه علمی را به پیش ببرد. برخی افراد روحیه ای منفی باف دارند و همواره روح یأس و ناامیدی در جامعه و دانشمندان می دمند و به جای نقد سازنده آثارِ آنان و ارائه راهکارهای سازنده، به تخریب ایده ها می پردازند؛ و از نقد مشفقانه و علمی بهره نمی جویند.

8.2. شتاب زدگی در تحقیق و نظریه پردازی

تحقیق، وقت گیر است، اما چشم گیر نیست. این، شعار اساسی پژوهشگران حقیقی و طبیعت تحقیق است. گاهی نتیجه سال ها تحقیق، ده صفحه مطلب است. ولی برخی از پژوهشگران به خاطر عجله در کار، مطالب ناپخته ارائه می کنند، یا با ارائه نظریه های غیر محققانه، به کژراهه می روند، و نه تنها باعث پیشرفت علم نمی شوند، بلکه مانع رشد آن می شوند.

این روحیه که یکی از آسیب های روان شناختی پژوهش است، با تلقین، شکیبایی و تقویت روحیه صبر و استقامت در پژوهشگران قابل رفع است.

9.2. افراط و تفریط در برخورد با افکار دیگران

در حوزه تحقیق، رعایت اعتدال و انصاف یک اصل اساسی است که زمینه ساز شکوفایی استعدادها می شود. رعایت نکردن این اصل و برخوردهای تند، موجب دلسردی محققان و کند شدن روند تحقیقات می شود. هم چنین سهل انگاری در نقد و بررسی، موجب ضعیف شدن نتیجه تحقیقات می گردد که هر دو مورد، یعنی تند روی و سهل انگاری، به پژوهش آسیب می رساند.

10.2. خودسانسوری (اختناق سفید)

محقق واقعی کسی است که تابع حقیقت باشد و هیچ چیزی را با حقیقت عوض نکند. برخی به خاطر عوامل روان شناختی، مثل ترس، ناامنی در حوزه نظریه پردازی و ضعف اراده و شخصیت، از ابراز عقاید و کشفیات خود پرهیز می کنند؛ یعنی گرفتار نوعی اختناق سفید یا خود سانسوری می شوند. برنامه ریزان و مدیران تحقیقات باید عوامل و زمینه های روانی و اجتماعی خودسانسوری را بشناسند و بر طرف سازند.

11.2. مرعوب بیگانگان شدن (غرب زدگی)

محقق باید استقلال در نظر داشته باشد و مرعوب هیچ شخص یا مکتبی نشود و با آزادگی به نقد و بررسی آرای دیگران بپردازد و انتخاب نظر کند. برخی از پژوهشگران مرعوب فرهنگ برتر در جهان می شوند و هر چه را که قدرتمندان جهان می گویند، حق می پندارند و در نتیجه دلسپرده فرهنگ بیگانه شده، اندیشه های وارداتی را بدون نقد و بررسی می پذیرند. این حالت که نوعی ضعف روانی و ناشی از خود بیگانگی است، آسیبی جدّی در راه تحقیقات است.

12.2. تعصب های قومی و مذهبی

محقق حقیقی، فردی آزاده و تابع حق است، و حق را در هر کجا بیابد می پذیرد. برخی از پژوهشگران به خاطر دلبستگی های قومی و مذهبی و... گرفتار تعصب شده، از حق پذیری دور می شوند؛ یعنی به جای حق محوری، گرفتار قوم محوری یا مذهب محوری می شوند.

البته باید توجه داشت که غیرت دینی، غیر از تعصب کور است و دین اسلام، حق است؛ اما این بدان معنا نیست که هر چه را ما از اسلام فهمیده ایم، حق باشد؛ بلکه ممکن است با پژوهش های جدید برخی مطالب غیر ثابت دین، بازسازی و نوسازی شوند، یا حقایق جدیدی در آنها کشف شود.

3. آسیب های جامعه شناختی:

1.3. چند شغله بودن محققان

تمرکز بر یک پژوهش، عامل اساسی پیشرفت پژوهشگر و علم است. گاهی عوامل جانبی، مثل مشکلات اقتصادی یا احساس مسئولیت ها یا تحمیل ها موجب می شود که پژوهشگران چند شغله شوند. این امر، آسیب جدّی به روند پژوهش آنها می زند و آنان را گرفتار تشتت روحی و علمی کرده، از ژرف نگری باز می دارد.

2.3. نبودن امنیت شغلی برای محققان نوپرداز و نظریه پردازان(توقف تولید علم به

خاطر نبودن امنیت علمی)

پژوهشگری، شغلی حساس است؛ چون نتیجه پژوهش ممکن است مطابق خواسته دیگران نباشد یا مخالف میل آنها باشد. در این صورت، امنیت شغلی و اجتماعی و گاهی امنیت جانی پژوهشگر به خطر می افتد؛ از این رو لازم است نهادهایی به حمایت از این ـ گونه پژوهشگران بپردازند؛ چرا که هیچ پژوهشگری نمی تواند تضمین دهد که نتایج پژوهش و نظریه پردازی او موافق میل حاکمان و مدیران باشد و اگر از این گونه پژوهشگران حمایت نشود، میل به پژوهش کم می شود و پیشرفت علم، کند یا متوقف می گردد.

چه بسیار پژوهشگرانی، همچون گالیله که به خاطر نظریه های خود محاکمه شده اند در حالی که بعدها نظریه های آنها اثبات و مورد قبول همگان واقع شده است. درست است که نوگرایی و نوپردازی و تولید علم، بهایی دارد که باید محققان بپردازند، اما هر چه این بها سنگین تر باشد، پیشرفت علم کندتر می شود و جامعه زیان می بیند. این امر گاهی به فرار مغزها از جامعه علمی یا کشور می انجامد که نمونه های آن را در کشور خود مشاهده کرده ایم.

باید در جامعه علمی و کشوری که می خواهد به تولید علم و نظریه پردازی و پیشرفت علمی برسد، تریبون های آزاد یا مکان های مناسب یا مجلات خاص، برای ارائه نظرات نو وجود داشته باشد که در آنها مطالب بدون سانسور بین صاحب نظران منتشر شود و اگر کسی نقد و جوابی دارد، ارائه کند. در چنین جامعه ای نباید یک محقق به خاطر اظهار تردید در سند یک حدیث یا کتاب یا خدشه در یک دیدگاهِ مشهور، آماج حمله قرار گیرد. باید حساب مسائل علمی از حوزه های دیگر جدا گردد تا چنین آسیب هایی تکرار نشود. باید توجه کرد که برخوردهای فیزیکی و شبه فیزیکی با پژوهشگران و نظریه پردازان، نه تنها مفید نیست، بلکه زیان آور است، و آسیب جدّی برای پژوهش و تولید علم به شمار می آید.

3.3. تحجّرگرایی

یکی از زمینه های فرهنگی که مانع پیشرفت علم و پژوهش در اجتماع می شود، تحجّرگرایی است. جامعه ای که گرفتار این آسیب است، از محقق انتظار دارد که با مشهورات مخالفت نکند، بلکه فقط در راستای آنها سخن بگوید و برای اثبات آنها بکوشد. چرا که مشهورات بر اذهان جامعه حاکم شده است و مخالفت با آنها را نوعی جرم دینی یا اخلاقی به شمار می آید. تحجّرگرایان با تحقیقات به صورت مشروط موافق اند؛ یعنی به شرطی که به عقاید سنتی آنان ضربه ای وارد نکند.

در حالی که پژوهشگری و نظریه پردازی و تولید علم نیازمند جامعه ای پویاست که همواره به نقد روشمند و علمی گذشته خود بپردازد و به بازسازی و نوسازی افکار و اندیشه های خود بنشیند و از تقلید در حوزه فکر، دوری گزیند.

4.3. جناح بازی های سیاسی در حوزه پژوهش

جریان پژوهش نباید رنگ سیاسی به خود بگیرد در این صورت ممکن است کشمکش های جناحی و سیاست بازی ها، در نهایت به ضرر امر پژوهش بوده و پژوهشگران را که نیازمند محیطی آرام، علمی و منطقی هستند تحت تأثیر قرار دهد. و نتایج پژوهش را در جهاتی خاص سوق دهد.

5.3. عوام زدگی در تحقیق

طبیعت تحقیق، ژرف کاوی و ژرف نگری است؛ انجام تحقیقات، سطحی و عوامانه با حالتی ژورنالیستی نوعی آسیب برای تحقیق به شمار می آید.

6.3. انفعال درنقد

پژوهشگران که وظیفه دفاع از پژوهش را نیز به عهده دارند، بهتر است به فکر نقد فعّال باشند؛ یعنی قبل از آنکه تحقیق آنها منتشر شود و اشکالات بر آن، سرازیر شود، با نظر خواهی های محدود و برگزاری جلسات رونمای تحقیق، به جمع آوری اشکالات و شبهات و جاسازی پاسخ های مناسب در تحقیق بپردازند.

در حوزه های دینی نیز لازم است مدافعان دین، قبل از آنکه شبهه یا اشکالی در جامعه منتشر شود و در اذهان افراد جایگزین شود، آن را شناسایی و همراه با جواب معقول و منطقی ارائه کنند. و گرنه گرفتار انفعال شده و در موضع دفاعی قرار می گیرند و فرصت تولید علم و نظریه پردازی را از دست می دهند.

7.3. حیرت پراکنی در نسل نو

تحقیق باید موجب پیشرفت و روشنگری در سطح فرهیختگان شود. برخی از تحقیقات هنوز مراحل نهایی خود را طی نکرده اند، یا شبهات و ابهامات و سئوالاتی را ایجاد می کنند که موجب نگرانی و حیرت نسل نو می شود. در این موارد باید در ارائه نتایج تحقیق به افراد غیر متخصص شتاب نورزیم و حیرت پراکنی نکنیم.

پس یکی از آسیب های پژوهش آن است که نتیجه پژوهش به صورت زودرس در اختیار جامعه قرار گیرد و حیرت زا شود.

8.3. خطا در داوری در انگیزه پژوهشگران

برای نقد هر پژوهشی، باید نتایج و روند تحقیق آن را بررسی کرد، و به این پرسش پاسخ داد که آیا پژوهش به صورت علمی انجام شده است یا نه. انگیزه های شخصی افراد نباید در ارزیابی علمی تحقیق سرنوشت ساز باشد. از این رو ارزیابان و جامعه علمی، نباید کسی را به خاطر انگیزه خاص او در تحقیق، نکوهش کنند.

به عبارت دیگر، چالش هایی که در اثر تحقیقات علمی به وجود می آید، یا تعارض های ظاهری که با برخی آموزه های دینی پیدا می کند؛ نباید ما را به سمتی سوق می دهد که افراد را متهم به انگیزه های ضد دینی کنیم، یا آنها را ضد انقلاب یا عنصر سیاسی بدانیم؛ چرا که ممکن است فردی دلسوز و دیندار، پژوهشی انجام دهد و به نتایجی برسد که حتی با عقاید خودش منافات داشته باشد. در چنین مواردی نقد صحیح و نقدپذیری منطقی می تواند راهگشا باشد.

9.3. انقطاع نسل ها

ذخایر علمی ملت ها و مکتب ها، از سرمایه های ملّی و دینی به شمار می آیند که لازم است مورد توجه پژوهشگران و مورد نقد و نوسازی و بازسازی قرار گیرند.

پس نوگرایی و تولید علم به معنای پشت پا زدن به ذخایر معتبر و صحیحِ گذشتگان نیست، و گرنه موجب انقطاع نسل ها و جدا شدن نسل نو از گذشته پر ارزش خودشان می شود و نسل نو از سرمایه ای عظیم محروم می گردد و این، آسیبی بزرگ برای تحقیقات است.

4. آسیب های مدیریتی و اجرایی:

1.4. کمبود نیروهای متخصص (و عدم توجه به تربیت نیروهای متخصص)

پژوهش، مبتنی بر آموزش است؛ یعنی قبل از شروع طرح های تحقیقاتی لازم است که نیروهای متخصص در آن زمینه تربیت شوند. برای مثال، اگر بخواهیم در زمینه تفسیر و علوم قرآن اقدام به پژوهش یا دائرة المعارف نویسی کنیم؛ باید قبلاً مراکز تخصصی در این زمینه پدید آمده باشند و نیروهایی در سطح کارشناسی ارشد و دکترا تربیت شده باشند، بلکه باید نیروهای مذکور با گرایش پژوهش تربیت شوند، یعنی واحدهای متعددی در زمینه روش تحقیق در علوم قرآن و تفسیر یا دائرة المعارف نویسی بگذرانند.

گاهی این ضرورت احساس نمی شود یا به مرحله عمل نمی رسد؛ از این رو کار پژوهش با خطاهای زیاد و ریزش ها و تلف شدن وقت و نیرو و امکانات بسیار همراه می گردد، و سال ها طول می کشد تا نیروهایی تجربی در ضمن کار تحقیق، پرورش یابند که البته معمولاً درصد آنها در کل نیروهای به کار گرفته شده، بسیار اندک است. یکی از علل ضعف برخی پژوهش های حوزوی و نیز به درازا کشیدن انجام رسانی طرح ها، همین آسیب است.

2.4. حجم زیاد مؤسسات پژوهشی در مقایسه با پژوهشگران

توسعه پژوهش امری طبیعی و لازم است، اما تأسیس مؤسسات پژوهشی موازی و نهادسازی های بی مورد و دستوری، یکی از آسیب های جدّی در امور پژوهش است.

آیا بهتر نیست به جای صرف امکانات اقتصادی و نیروهای مدیریتی و... در سامان دهی مراکز جدید پژوهشی، به تزریق امکانات و سرمایه به مراکز موجود بپردازیم؟ و در اصلاح آسیب های آنها بکوشیم.

3.4. کمبودهای اقتصادی و عدم حمایت مالی از پژوهش و پژوهشگران

هرگاه در کشوری علم و ثروت در دو جهت مخالف هم حرکت کنند، نباید انتظار پیشرفت سریع دانش و تولید علم داشته باشیم.

محقق هم چون هر انسانی دیگر نیازهای طبیعی و مالی دارد که اگر تأمین نشود، دغدغه های اقتصادی فکر او را مشغول می کند و مانع تفکر ژرف و تمرکز علمی می شود؛ از این رو لازم است مدیریت تحقیق، در زمینه های زیر از محققان حمایت جدّی کنند:

الف. تأمین هزینه های زندگی محققان (اعم از مسکن، حقوق و...)؛

ب. تأمین نیازهای سخت افزاری (مثل: کتاب، رایانه و...)؛

ج. تأمین فضای مناسب تحقیق.

گاهی مشاهده می شود که در مراکز تحقیقی همه نیروها تأمین می شوند، ولی برای پرداخت حقوق محققان سخت گیری زیادی می شود. نیز بهترین قسمت های ساختمان ها در اختیار نیروهای اداری قرار می گیرد و زیر زمین های کم نور و مرطوب و نامناسب به کتابخانه و محقق اختصاص می یابد. نتیجه این نوع برخورد، کم شدن کارکرد محققان است. در حالی که باید بهترین فضا برای کار پژوهشگران باشد و کتابخانه های شبانه روزی با امکانات رفاهی فراهم شود تا کار پژوهش با سرعت و سلامت به پیش برود.

اگر نگاهی به بودجه پژوهش و تناسب آن با دیگر بودجه های جاری در کشور بیندازیم یا بودجه های پژوهش حوزه را با دانشگاه ها بسنجیم، نمودارهای هشدار دهنده و تفاوت های فاحشی را مشاهده می کنیم.

تجربه برخی از کشورها بعد از جنگ بین المللی دوم، مثل ژاپن، آلمان و روسیه در افزایش حقوق صددرصدی اعضای هیئت علمی و نتایج مثبت آن، نشانگر نتایج خوب این اقدامات است.

4.4. چند شغل داشتن مدیران

مدیریت نیاز به فکر، برنامه ریزی، تمرکز و وقت گذاری دارد؛ بنابراین مدیری که چند شغل داشته باشد، نمی تواند همه آنها را به صورت مطلوب اداره کند و بر آنها نظارت نماید. این، یکی از آسیب های مدیریت ها در همه زمینه ها و به ویژه در پژوهش در کشور و حوزه است. گاهی برخی از افراد چندین و چند عنوان مدیریت دارند و طبیعی است که نباید از آنها انتظار کار موفق داشته باشیم. البته گاهی کمبود نیروی مدیریتی کارامد و با تجربه سبب این امر می شود که باید برای رفع آن برنامه ریزی شود.

5.4. واگذاری امور به افراد غیر متخصص در مدیریت پژوهشی

حوزه مدیریت پژوهش، یکی از حساس ترین حوزه های مدیریتی است؛ به طوری که گفته شده است از نوع «مدیریت در حوزه های مدیریت ناپذیر» است؛ چرا که روحیه محققان بسیار حساس است و برخوردهای نامناسب و غیر فنی و نظارت غیر علمی، آسیب جدّی به پژوهش و پژوهشگران وارد می سازد.

با این وجود گاهی مشاهده می شود که به خاطر حاکمیت روابط بر ضوابط، مدیران غیر متخصص و غیر علمی در رأس مراکز پژوهشی قرار می گیرند و در تصمیم سازی ها نقش اصلی بازی می کنند که این خود، نوعی بازی با پژوهش است و پیامدهای منفی دارد.

گاهی کسی که در حوزه های دیگر شکست خورده است، وارد حوزه مدیریت پژوهشی می شود و گاهی کسانی برای اینکه بیکار نباشند، یا پرستیژ برای خود داشته باشند، یا کاری آبرومندانه دست و پا کنند، به تأسیس مؤسسات پژوهشی روی می آورند. روشن است که این آسیب تا چه اندازه جدّی و ویرانگر است. از پیامدهای این گونه مدیریت ها، انجام کارهای تکراری و غیرمفید و غیر عمیق است؛ چرا که مدیر پژوهشی اطلاع کافی از موضوعات نوپدید و معیارها و قواعد آن رشته ندارد، از این رو گاهی جلوی تحقیقات مفید را می گیرد، یا به خاطر ضعف علمی خود و ترس از زیر سئوال رفتن، از ورود محققان به حوزه های نو جلوگیری می کند.

6.4. افراط و تفریط در ضوابط و مقررات پژوهشی

پژوهش نیاز به مقررات مضبوط و واقع بینانه و حمایت گرانه دارد. برخی از مراکز و مؤسسات پژوهشی، از نداشتن قوانین مدوّن رنج می برند، به طوری که در آنها حقوق پژوهشگران ضایع می شود و کسی به فریاد آنان نمی رسد.

برخی از مراکز نیز از افراط در تدوین و ابلاغ مقررات، دچار سردرگمی و قوانین دست و پاگیر می شوند؛ به طوری که طرح های تحقیقی در آنها با کندی پیش می رود. افراط و تفریط در زمینه مقررات پژوهشی یکی از آسیب های پژوهش است که برای رفع آن، باید قوانین استانداردی در سطح ملی تعریف و در تمام مراکز به طور یکسان لازم الاجرا شود. البته مقررات خاص هر مرکز پژوهشی مورد احترام است، اما مثلاً تفاوت ساعات کار پژوهشگران هیئت علمی در دو مرکز پژوهشی در شهر قم که فاصله آنها به یک کیلومتر نمی رسد و کار مشابهی هم انجام می دهند، از هشتاد ساعت تا 160 ساعت چگونه می تواند توجیه پذیر باشد.

7.4. یک طرفه بودن قرار دادهای پژوهش و بی ثباتی آنها

در ایران و به ویژه در حوزه های علمیه، وجود مرکز و قوانینی برای دفاع از حقوق محققان ضروری است. عجیب است که برای حمایت از معلمان و کارگران تشکیلات خاصی هست که اجازه نمی دهد حقوق آنان پایمال شود، اما برای پژوهشگران چنین چیزی وجود ندارد!

در قراردادهای پژوهشی - که معمولاً سودجویانه و یک طرفه از طرف مؤسسات تحقیقی آماده سازی می شود- گاهی حقوق معنوی و مادی پژوهشگران پایمال می شود و محققان به دلیل نیازهای مالی یا نیاز به نشر و حمایت و... ناچارند به این قوانین تن در دهند. جالب تر این است که معمولاً حق فسخ قرارداد یا تعطیل برنامه پژوهشی، بدون ارائه دلیل برای مؤسسه کارفرما محفوظ است و محقق حق درخواست جبران خسارت ندارد، یا اگر هم چنین حقی داشته باشد، قوانینی برای حمایت از او وجود ندارد، یا ضامن اجرایی برای آن نیست. این وضعیت موجب عدم امنیت شغلی پژوهشگران می شود. و حقوق مادی و معنوی محقق نادیده انگاشته می شود. اکثر قراردادهای پژوهشی در ایران به صورت خریدِ اثر است؛ در حالی که هر محقق، برای دوران پیری و آینده ای دارد که در آن نیاز به حمایت مالی پیدا خواهد کرد؛ ولی با خرید اثر، یک کتاب ده ها بار از سوی ناشر چاپ می شود، بدون آنکه ریالی به محقق داده شود.

8.4. عدم هماهنگی و تعامل میان مراکز پژوهشی و نهادهای نظام اسلامی

پژوهش کالایی است که مصرف کننده خاص خود را دارد. یکی از مصرف کنندگان اصلی نتایج پژوهش ها، نظام اسلامی و نهادهای اقتصادی، سیاسی، فرهنگی و... است؛ ولی گاهی دیده می شود که تولید کننده با مصرف کننده هیچ ارتباطی ندارد. این عدم ارتباط، آسیبی دو سویه دارد: از طرفی به نهادهای نظام ضربه می زند که نمی توانند راه کوتاه و صحیح را به خوبی تشخیص دهند و مشکلات خود را حل کنند، و از سوی دیگر به پژوهشگران و مؤسسات پژوهشی ضربه می زند که از موضوعات جدید و کاربردی محروم می شوند و کم کم به طرف پژوهش در خلأ پیش می روند. از این رو لازم است برای رفع این مشکل برنامه ریزی جدّی صورت گیرد و با شناسایی حلقه های مفقوده، آسیب ها بر طرف گردد و دو طرف، ملزم به همکاری با یکدیگر و تأمین نیازهای هم شوند.

9.4. کم توجهی به ابزارهای پژوهشی جدید و فراهم نکردن آنها

مدیر موفق کسی است که مجموعه خود را به پیشرفته ترین امکانات مجهز سازد و به طور مرتب به نوسازی و بازسازی و تجهیز آن بپردازد. برخی از مدیران ناآگاه، بیشترین سرمایه را صرف ساختمان و زیباسازی دکورها و برگزاری مهمانی ها و خرج های غیرضروری می کنند، اما از فراهم کردن کمترین امکانات، همچون رایانه و اینترنتی که همیشه در دسترس باشد، یا کتاب های جدید و کارگاه های آموزشی و سفرهای علمی اعضای هیئت علمی و پژوهشگران دریغ می ورزند، و اینها را نوعی هزینه زاید و غیر ضروری به حساب می آورند و انتظار دارند محققان با همان ابزارهای صد سال قبل، به تولید علم بپردازند و دانش به سرعت رشد کند، زهی خیال باطل!

محققی که در حوزه دین نمی داند در «الازهر» مصر یا در «لیدن» هلند (مرکزی که در آن دائرة المعارف قرآن در حال نوشتن است) چه می گذرد، و مراکز شرق شناسی و روش های نوین تحقیق را نمی شناسد، چگونه می تواند با دنیای مدرن به رقابت بپردازد؟

عجیب است که سفرهای علمی مراکز آموزشی و پژوهشی برای رؤسای آنها و عده ای از اطرافیان و نور چشمی ها تدارک دیده می شود، اما برنامه ریزی آموزشی و پژوهشی و انجام آنها به عهده دیگران قرار می گیرد!

تا هنگامی که این فرهنگ بر مراکز آموزشی ما حاکم است، نباید انتظار تولید علم داشته باشیم.

5. آسیب های علمی:

1.5. رعایت نکردن اصل تقدم آموزش بر پژوهش

پیش تر نیز بیان کردیم که آموزش بر پژوهش مقدم است و هر محقق باید در زمینه کاری خود متخصصی آموزش دیده باشد. پژوهشگر غیر متخصص، قواعد و قوانین علم مربوط و موضوعات جدید و مهم، و ابعاد آنها را نمی شناسد، و در نتیجه، پژوهشی غیر حرفه ای و ناقص ارائه می کند و گاهی به کژراهه می رود و سالیان زیادی از عمر خود و امکانات را تلف می سازد.

متأسفانه فرهنگ تخصص قبل از پژوهش در حوزه ها هنوز جای خود را به خوبی باز نکرده و هر کس به خود اجازه می دهد بدون گذراندن رشته تخصصی مربوط، در حوزه تفسیر، حدیث، فقه و... پژوهش و اظهار نظر غیرعالمانه کند.

2.5. عدم شناخت ساختار زبان متن

هر مسئله پژوهشی باید گونه شناسی شود و در طبقه خاص خود قرار گیرد تا روشن شود که آیا مسئله ذهنی است یا واقعی یا زبانی، و اگر زبانی است، با چه زبانی سخن می گوید.

برای مثال آیا زبان قصه های قرآن، واقع نما است یا تمثیلی، اسطوره ای، کنایی و مجازی است؟ آیا معنادار است یا فقط برانگیزنده احساس افراد است؟ تا وقتی که محقق مسئله زبان متن مورد پژوهش را تعیین نکند، تحقیق او جهت صحیح پیدا نمی کند؛ بلکه ابهام زبان، آسیب جدّی برای پژوهش در پی می آورد.

3.5. مطالعات تاریخی و فلسفی و... بدون توجه به پیامدهای آن در عصر حاضر

مطالعه تاریخ و سیر تطور هر موضوع، امری لازم است. مطالعه تاریخی به معنای پیشینه حادثه و آینده حوادث است؛ یعنی ما نمی توانیم زندگی پیامبر(ص) و ائمه(ع) و... را بدون توجه به حال و آینده مطالعه کنیم. بلکه تاریخ، شناخت سلف در پرتو خلف است.

برای مثال ما باید قرآن و قصه های آن را طوری مطالعه و تفسیر نماییم که درمان دردهای عصر خویش را در آن بیاییم و مصادیق جدید قوم عاد و ثمود و فرعون و موسی را پیدا کنیم. این همان مطلبی است که امام رضا(ع) از امام صادق(ع) حکایت می کند که فرمود:

لان اللّه تبارک و تعالی لم یجعله لزمان دون زمان ولا لناس دون ناس فهو فی کل زمان جدید(11)

مطالعه مسائل فلسفی نیز همین روش را می طلبد؛ یعنی اصالت وجود و مسائل دیگر فلسفه اسلامی، نتایج و پیامدهایی در حوزه های جامعه شناسی، سیاست، روان شناسی و... دارد که باید روشن شود. یکی از آسیب های علمی پژوهش های اسلامی آن است که دنباله و پیامد و نتایج و آثار آن در عصر حاضر تحلیل و تبیین نشود و مسائل فلسفه، تفسیر قرآن و تاریخ به صورت مسائل ذهنی و نظری باقی بماند.

4.5. دخالت افراد غیر متخصص در پژوهش در حوزه های تخصصی

این آسیب در مباحث پیشین توضیح داده شد، از جمله در بند دوم همین بخش.

5.5. فراهم نشدن فرصت های مطالعاتی برای اساتید و پژوهشگران و در نتیجه عدم

آگاهی از نظرات جدید محققان و مراکز خارج از کشور

در این باره نیز در بند نهم آسیب های مدیریتی سخن گفتیم.

6.5. عدم تسلّط پژوهشگرن به زبان دوم و سوم (عربی، انگلیسی و...)

ضرورت این مسئله و لزوم برنامه ریزی برای تأمین آن بر کسی پوشیده نیست؛ از این رو از توضیح آن خودداری می کنیم.

7.5. کمبود کارگاه های آموزشی و پژوهشی و در نتیجه عدم اطلاع پژوهشگران از

روش ها و پیشرفت های جدید در رشته مورد نظر

در این باره نیز در بند نهم آسیب های مدیریتی سخن گفتیم.

8.5. کمبود نشست های علمی و نقد کتاب و نظریه پردازی و همایش های علمی

تخصصی

نشست های علمی و جلسات نقد و همایش های تخصصی، زمینه ساز رشد و تعالی علوم و رشته های مختلف است. این فعالیت ها در اعطای رتبه های علمی و دانشگاهی نیز تأثیر دارد. ولی در حوزه به این امور توجه چندانی نمی شود و امتیازات آنها برای اساتید محاسبه نمی گردد؛ و این، یکی از آسیب های پژوهش (و حتی آموزش) در حوزه است.

1. عضو هیئت علمی مرکز جهانی و پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.

2. monoorigen .

3. mulitpu origen.

4. البیان، صص 257 ـ 278 .

5. روش شناسی مطالعات دینی، ص 110 به بعد.

6. ر.ک.: تفسیر نمونه، ج 27، ذیل سوره قدر.

7. اصول کافی، ج 1، ص 390 و بحارالانوار، ج 43، صص 58-65.

8. تفسیر نمونه، ج 1، ص 140 چ 30.

9. المیزان، ج 1، ص 6 (مقدمه).

10. امالی صدوق، طبع نجف، ص 6؛ توحید صدوق، طبع بیروت، باب 36، ص 264 و تفسیر طبری، ج 1، ص 27.

11. بحارالانوار، ج 62، ص 15.